

جنایاتی که بدون مجازات مانده‌اند!

گرچه هرکدام از جنایاتی که رژیم جمهوری اسلامی ایران از بدو تولدش تا به حال مرتکب شده که به جان باختن صدها هزار انسان منجر گشته، کافی هستند تا سرکرده‌گان آن در دادگاه تاریخی مردمی محاکمه و به مجازات شایسته‌ای برسند؛ اما، در میان این مجموعه جنایتها، کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ را می‌توان در ردیف وحشیانه‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین جنایات تاریخی نظیر گچ آجین کردن مزدکیان توسط انوشیروان ظالم، گردن زدن ۸ هزار نفر از مردم طایفه‌ی بنی قریظه به دستور محمد، درآوردن چشم ۲۰ هزار نفر از مردم کرمان به دستور آغامحمدخان قاجار، کشتن میلیونها کودک و بزرگسال در اتاقهای گاز هیتلری و یا توسط بمبهای اتمی، شیمیائی، میکروبی، فسفوری و ... ، قرار داد، که از شنیدن آنها دل هرانسان شرافت‌مندی به درد می‌آید.

۱۰ سال قبل از این جنایت دل‌خراش، رژیم سلطنتی "آریامهری!" در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، تظاهرات مردم تهران را در حوالی میدان ژاله به خون کشیده بود که اوج نفرت مردم ایران از آن رژیم را باعث گردید. اما جنایتکاران حاکم، به حکم منافی که در حفظ قدرت دارند، از تاریخ نمی‌آموزند. کما اینکه یک سال بعد از این روی داد، ملایان حاکم به کردستان کشگرکشیدند، در ترکمن صحرا فاجعه آفریدند و جنبش خلق عرب را در خوزستان سرکوب نمودند و تاریخ جوامع طبقاتی و از جمله تاریخ رژیمهای حاکم بر ایران تا به حال، لحظه به لحظه با خون نوشته شده، اما کشتار تابستان خونین ۱۳۶۷ که پس از شکست در جنگ با عراق و برباد رفتن ادعای ملایان حاکم دایر بر "فتح قدس از طریق کربلا!" صورت گرفت، ناشی از ترس رژیم از خیزش مردمی بود، با این دید که بتواند حکومت ننگین‌اش را باتکیه به کشتار و جنایت آفرینی، مدتی دیگر سرپا نگاه دارد.

امروز علیرغم این که به همت تشکلهای و انسانهای مبارز و ضد رژیم و به‌ویژه خانواده‌ی جان‌باخته‌گان تابستان ۱۳۶۷، این جنایت نه تنها در ایران بلکه در سطح جهان شناخته شده است، ولی حاکمین جمهوری اسلامی و به‌ویژه جناح "اصلاح‌طلب" آن که "دموکراسی" و "مردم‌سالاری" ورد زبان‌شان است، به دلیل شرکت در این جنایت، حتا حاضر نشده‌اند اسامی جان‌باخته‌گان و محل دفن آنها را جهت ساختن مزار، بدهند و برای سرپوش گذاشتن به این جنایت فجیع، اجازه‌ی دفن جنازه‌ی بهائی‌ها را بر روی اجساد زندانیان سیاسی داده‌اند تا با این ترفند و با کردن سر به زیر برف به سان کبک، لحظه‌ای هم شده بر جنایات‌شان سرپوش بگذارند!

درخارج از کشور، گرچه فرصت برای تشکیل دادگاهی بین‌المللی جهت محاکمه‌ی سران رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد، اما عدم پیگیری آن نشان از عمل‌کرد ناپایدار و مردد و متزلزل نیروهای سیاسی مستقر در خارج کشور دارد که به جای پی‌گیری این مسئله، گرفتار سنت مذهبی مراسم یادبود گزاری شده و یا با دادن اعلامیه و یا تظاهراتی چند، وظیفه‌ی خود را پایان یافته تلقی می‌کنند.

اگر رژیم شاه، به‌خاطر جنایاتی که کرده بود، با پیروزی انقلاب مجازات و به زباله‌دانی تاریخ فرستاده شد، اما رژیم جمهوری اسلامی هنوز چنین کیفری را نیافته است. در تدارک آن باید به‌طور جدی به پای کشاندن و محاکمه‌ی سران رژیم در دادگاهی بین‌المللی رفت!

گرامی باد یاد جان‌باخته‌گان تابستان ۱۳۶۷!

محاکمه‌ی سران رژیم گامی است در راه سرنگون‌ساختن آن!

برای لغو حکم اعدام و آزادی فوری زندانیان سیاسی، مبارزه کنیم!

از بین بردن بربریت حاکم، تنها با استقرار سوسیالیسم، ممکن است!